

گزارش اعدام ها در ایران در سال ۲۰۱۱

عفو بین الملل



در صورت جمع زدن آمار منابع رسمی و غیررسمی، حداقل ۴۸۸ نفر در سال ۲۰۱۱ به اتهام جرایم مواد مخدر اعدام شده اند؛ این تعداد بیش از سه چهارم جمع ۶۳۴ نفر اعدامی رسمی و غیررسمی برای تمام جرایم در طول سال ۲۰۱۱ و افزایش تقریباً سه برابر در مقایسه با سال ۲۰۰۹ است...

به جز چین، ایران تنها کشوری است که عفو بین الملل اعدام صدها نفر را در سال مورد تایید قرار می دهد. همچون سال های پیش، این سازمان معتقد است که تعداد زیادی قتل های قضایی دیگر انجام شده ولی رسماً تایید نشده است. در سال ۲۰۱۱، ایران همچنین یکی از چند کشور معدود در جهان بود که به طور کلی روند رو به افزایشی را در استفاده از مجازات اعدام به نمایش گذاشت. عفو بین الملل در سال ۲۰۱۱ افزایش قابل توجهی را در اعدام ها ثبت کرد که از اواسط ۲۰۱۰ شروع شده بود. این افزایش بیشتر ناشی از تعداد بسیار بالای اعدام به اتهام جرایم مواد مخدر بود.

عفو بین الملل ۳۶۰ اعدام را که قوه قضاییه یا رسانه های مجاز رسمی در داخل ایران تایید کرده بودند ثبت کرد. در میان این عده حداقل چهار زن و سه نفر افرادی بودند که در زمان ارتکاب جرایم اتهامی زیر ۱۸ سال داشتند. اما، گمان می رود تعداد واقعی به مراتب بیشتر باشد. [i] بنا به اطلاعاتی که منابع معتبر در داخل و خارج از ایران ارایه کردند، در سال ۲۰۱۱، حداقل ۲۷۴ اعدام دیگر انجام شد که رسماً تایید نشد، از جمله ۱۴۸ اعدام در زندان وکیل آباد مشهد. این تعداد مجموع اعدام ها را به ۶۳۴ مورد می رساند. حداقل ۵۰ اعدام در انتظار عمومی انجام شده است که تقریباً چهار برابر تعداد سال ۲۰۱۰ است، با وجود این که رئیس پیشین قوه قضاییه در بخشنامه ای در سال ۲۰۰۸ اعلام کرده بود که اعدام در انتظار عمومی نباید بدون اجازه وی انجام شود. [ii] صدور حداقل ۱۵۶ حکم تازه اعدام رسماً تایید شد، اما تعداد واقعی احتمالاً خیلی بیشتر است.

دولتمردان اطلاعات دقیق و کامل در باره تعداد افراد محکوم به اعدام در ایران را منتشر نمی کنند و وضعیت قانونی بسیاری از افراد ماه ها و گاهی سال ها ناروشن می ماند. فقدان اطلاعات را نه تنها دسترسی محدود خانواده یا وکلا به شخص محکوم، بلکه تناقض بین اظهارات شاخه های مختلف حکومت، و نیز بین مسئولان محلی و مرکزی بدتر می کند. به نظرمی رسد در بعضی موارد شاید دولت به عمد، با مقاصد سیاسی و برای آزمایش کردن واکنش جامعه بین المللی، اغتشاش آفرینی کند.

گستره مجازات اعدام در ایران بسیار وسیع است. حداقل سه اعدام به خاطر «لواط» و یک اعدام به خاطر «اشاعه فساد روی زمین» و «ارتداد» از اسلام انجام شد. در یک مورد دیگر، یک کشیش مسیحی به نام یوسف ندرخانی به خاطر «ارتداد» به اعدام با دار محکوم شد. در پایان سال، نتیجه محاکمه هنوز روشن نبود. قانون تازه مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۴ ژانویه ۲۰۱۱ به اجرا در آمد و کاربرد مجازات اعدام را گسترده تر کرد. در آخرین تغییرات برای قاچاق یا داشتن بیش از ۳۰ گرم مواد روان گردان صنعتی غیردارویی، و برای استخدام یا به خدمت گرفتن دیگران برای ارتکاب جرایم تعیین شده در قانون، سازماندهی، مدیریت و پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری در فعالیتهای مذکور، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد، مجازات اعدام تعیین شده است. به طور کلی ۱۷ جرمی که در قانون تازه مجازاتشان اعدام است، مجازات الزامی اعدام را برای «سرکرده یا رئیس باند یا شبکه» مقرر می دارند، اگر چه تعریفی برای باند یا شبکه ارایه نشده است.

در صورت جمع زدن آمار منابع رسمی و غیررسمی، حداقل ۴۸۸ نفر در سال ۲۰۱۱ به اتهام جرایم مواد مخدر اعدام شده اند؛ این تعداد بیش از سه چهارم جمع ۶۳۴ نفر اعدامی رسمی و غیررسمی برای تمام جرایم در طول سال ۲۰۱۱ و افزایش تقریباً سه برابر در مقایسه با سال ۲۰۰۹ است که عفو بین الملل تعداد حداقل ۱۶۶ اعدام برای جرایم مشابه مواد مخدر را ثبت کرد. اعضای گروه های حاشیه ای - شامل مردم تهی دست، اقلیت های قومی که از تبعیض رنج می برند، و افراد تبعه خارج به ویژه افغان ها - بیش از همه در خطر اعدام به اتهام جرایم مواد مخدر هستند. شاید در حدود ۴۰۰۰ افغان به خاطر جرایم مواد مخدر محکوم به اعدام باشند. کودکان محکوم به جرایم مواد مخدر نیز حکم اعدام دریافت کرده اند.

فعالان ایرانی اظهار نگرانی کرده اند که دولت ممکن است پوشش «جنگ

با مواد مخدر» را برای اعدام مخالفان سیاسی به کار بگیرد.

در ۲ ژانویه ۲۰۱۱، زهرا بهرامی، دارای تابعیت دوگانه ایرانی - هلندی، به اتهام مواد مخدر به اعدام محکوم و در ۲۹ ژانویه ظاهراً در زندان اوین اعدام شد. او ماه‌ها در انزوای کامل در بازداشت بود و در این مدت گویا مورد محاکمه ناعادلانه قرار گرفته بود که پس از آن حق درخواست تجدید نظر هم نداشت. او در سال ۱۳۸۸ در پی تظاهراتی مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ دستگیر شده بود و در انتظار به پایان رسیدن محاکمه به خاطر اتهام‌های مربوط به تظاهرات و ارتباط مورد ادعا با یک گروه مخالف غیرقانونی بود. جنازه او به خانواده اش تحویل نشد و او را در جایی دوردست دفن کردند تا خانواده او نتوانند در مراسم دفن شرکت کنند.

محمد جنگلی، کمک راننده کامیون، ۳۸ ساله، از اقلیت کوره سنی پس از این که در کامیونی به رانندگی او در سال ۲۰۰۸ مواد مخدر یافت شد، در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۱ اعدام شد. گویا او یک «اقرارنامه» را که وزارت اطلاعات تهیه کرده بود زیر شکنجه امضا کرده بود. دولتمردان به خانواده او در باره پرونده هیچ اطلاعی نداده بودند تا این که از زندان با آنها تماس گرفتند و گفتند او هشت ساعت بعد اعدام می‌شود و اگر مایل به دیدار با او هستند باید بلافاصله به زندان بروند. او تا زمان مرگ اظهار می‌کرد که نمی‌دانست در کامیون مواد مخدر وجود داشته است.

دولتمردان به اعدام زندانیان سیاسی و به کارگیری مجازات اعدام به عنوان ابزاری علیه اقلیت‌ها ادامه دادند.

حسین خضری، از اقلیت کُرد پس از محکومیت به محاربه به خاطر عضویت در حزب حیات آزاد کُردستان (پژاک) در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ اعدام شد. او در ماه اکتبر ۲۰۱۰ در نامه‌ای از زندان ارومیه نوشت که پس از دستگیری شکنجه شده است. او ادعا کرد که شکنجه در بازداشتگاه‌های سپاه پاسداران در کرمانشاه و ارومیه در شمال غربی ایران و یک بازداشتگاه وزارت اطلاعات انجام گرفته و شامل روش‌های زیر بوده است: ضرب و شتم به مدت چند ساعت؛ تهدید علیه او و خانواده اش؛ لگد به آلت تناسلی او که باعث خونریزی و تورم به مدت ۱۴ روز شده؛ لگد به ساق‌هایش که منجر به یک زخم ۸ سانتی متری شد و در اواخر سال ۲۰۱۰ هنوز باز بود؛ و ضربه‌های شدید با باتون به تمام بدنش به مدت ۴۹ روز که باعث کبودی و التهاب شده بود. او گفت پس از شکایت از این رفتار به مدت سه روز به بازداشتگاه وزارت اطلاعات

منتقل شده و در باره شکایتش مورد بازجویی قرار گرفته، اما درخواستش برای تحقیق در باره شکایت رد شده است. زندانی سیاسی کُرد زینب جلالیان در دسامبر مطلع شد که حکم اعدام او کاهش یافته است.

در دو سال گذشته، اعدام هایی با انگیزه سیاسی در ارتباط با ناآرامی های پیرو انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ انجام شده است. چندین اعدام به طور مشخص هر ژانویه انجام شده که به عنوان هشدار به معترضان مخالف در آستانه جشن های سالگشت انقلاب ایران در ۱۱ فوریه [۲۲ بهمن] به حساب می آید. در سه سال گذشته، دولتمردان بر تلاش هایشان برای محدود کردن آزادی بیان در رسانه های عمومی افزوده اند. قانون مربوط به جرایم سمعی و بصری سال ۲۰۰۸ که مجازات اعدام را مقرر می دارد، از سال ۲۰۱۱ به طور جدی از جمله علیه اشخاص مرتبط با رسانه های منتقد دولت و مدیران فنی اینترنتی به اجرا در آمده است. این پیگردها به عنوان بخشی از استراتژی کلی دولت ایران برای سرکوب و خاموش کردن مخالفان از جمله در اینترنت و بستن خدمات پیامک، فیلترکردن وبگاه ها و مسدود کردن شبکه های اجتماعی مثل فیس بوک، حمله الکترونیکی به وبگاه های منتقد دولت و حمله به روزنامه نگاران، وبلاگ نگاران و کارکنان صنعت سینما تلقی می شود.

غلامرضا خسروی سوادجانی، متهم به هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران (س.م.خ.ا) در اواخر ۲۰۱۱ پس از مجرمیت به محاربه (دشمنی با خدا) در ارتباط با کمک به فرستنده تلویزیونی حامی س.م.خ.ا به نام سیمای آزادی، به اعدام محکوم شد. سه متهم دیگر به هواداری از س.م.خ.ا – علی صارمی، جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی – به همین دلیل در فاصله ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰ و ۲۴ ژانویه ۲۰۱۱ اعدام شدند.

نگرانی از محاکمه های ناعادلانه، شامل نداشتن دسترسی به وکیل و فرایند واقعی تجدید نظر، زیاد بود. بعضی از متهمان پیش از شروع محاکمه وادار به «اعتراف» تلویزیونی شدند که باعث پیش دآوری در باره بی گناهی آنها می شد. دسترسی به وکیل اغلب نفی می شود، به همین ترتیب دسترسی به کمک کنسولی در مورد متهمان خارجی، به ویژه در مورد افغان ها و دارندگان تابعیت دوگانه دریغ می گردد. فرصت متهمان برای درخواست تجدید نظر، طبق الزام حقوق بین المللی، به شدت محدود شده است. بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، تجدید نظر در حکم محکومیت بیش از ۱۰ سال زندان، قطع عضو یا اعدام به عهده دیوان عالی کشور است. در ارتباط با جرایم مواد مخدر که بر اساس

قانون مبارزه با مواد مخدر تحت پیگرد قرار می گیرد، محکومان به اعدام اصلاً حق درخواست تجدید نظر ندارند. براساس این قانون، حکم های اعدام باید به وسیله رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل تایید شود، اما گزارش ها حاکی است که تمام این گونه حکم ها به دادستان کل ارجاع می شود. برای محکومان امکان عفو مقام رهبری به توصیه کمیسیون عفو و بخشودگی وجود دارد. زندانیان، به ویژه زندانیانی که به دلایل سیاسی در زندان هستند، اغلب در مدت بازداشت پیش از محاکمه هفته ها، ماه ها یا گاهی حتی سال ها در سلول انفرادی می مانند. گزارش های معتبر زیادی از شکنجه و بدرفتاری های دیگر، بیشتر پیش از محاکمه و گاهی پس از محاکمه، بوده است. با وجود الزام قانون در ایران که وکلا باید ۴۸ ساعت پیش از اعدام موکل خود ابلاغیه دریافت کنند، به خانواده ها و وکلای متهمان اغلب اطلاعی در باره انجام اعدام داده نمی شود. در بعضی موارد، اعضای خانواده گفته اند که برای دریافت جنازه خویشاوندانشان باید به دولتمردان ایران پول پرداخت می کردند.

اعدام اغلب به وسیله دار و گاهی در انظار عمومی با استفاده از جرثقیل های بزرگ ساختمانی انجام می شود. در ماه ژوئیه، شرکت جرثقیل ساختمانی تادانوی ژاپن اعلام کرد که به این دلیل فروش جرثقیل هایش به ایران را متوقف می کند. دولتمردان ایران مدعی هستند که قتل قضایی به شکل «تلافی» (قصاص) در مجازات به خاطر قتل، بر اساس اسلام در چارچوب مجازات اعدام قرار نمی گیرد و می گویند این موارد به حقوق خصوصی خانواده قربانیان مربوط است که قوه قضاییه نمی تواند رد کند. [۱۱۱] اما، این ادعا در حقوق بین المللی پذیرفته نیست، زیرا حکم اعدام را هنوز دولتمردان کشور صادر و اجرا می کنند. به علاوه، امکان پرداخت دیه - بخشش خانواده در مقابل جبران مالی - در همین زمینه شرط عفو دولتی را بر اساس حقوق بین المللی برآورده نمی سازد. حتی اگر یک دادگاه دولتی این «عفو خصوصی» را بپذیرد و حکم اعدام را کاهش دهد.

بعضی از اعدام ها در خفا انجام می شود که معنای آن این است که رسماً گزارش آنها منتشر نمی شود و خانواده اشخاص اعدامی و وکلای آنها اطلاع کافی از اعدام دریافت نمی کنند. به گفته فعالان محلی، خود زندانیان تنها چند ساعت پیشتر از کشته شدن خود مطلع می شوند. در تاریخ ۲۱ دسامبر، آیت الله صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه، با قطعیت انجام اعدام مخفی را در ایران تکذیب کرد. گاهی در زندان ها، اعدام های دسته جمعی هم زمان در گروه های بین ۲۰ تا ۶۰ نفر

انجام می شود. در زندان وکیل آباد، افراد را از تیرهای دراز در راهروهای زندان به دار می کشند. اعدام دسته جمعی در زندان های دیگر نیز انجام می شود.

در سال ۲۰۱۱، مثل ۲۰۱۰، ایران تنها کشوری در سطح جهان بود که هنوز مجرمان نوجوان را که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال داشته اند، اعدام کرد. این اعدام ها در حقوق بین المللی به صراحت منع شده است. با وجود ادعای دولتمردان ایران که این اعدام ها دیگر انجام نمی شود، [۱۷] عفو بین الملل هنوز چنین اعدام هایی را ثبت می کند. اکثر مجرمان نوجوان که در ایران اعدام می شوند به خاطر قتل محکوم شده اند، اما بعضی از حکم های اعدام برای کودکان محکوم به خاطر جرایم مواد مخدر صادر می شود. بر اساس گزارش های رسمی، در آوریل دو مجرم نوجوان در شهر ساحلی بندر عباس در جنوب اعدام شدند. نفر سوم، علیرضا ملا سلطانی، در تاریخ ۲۱ سپتامبر در میدان گلشهر کرج در نزدیکی تهران در جایی که یک مرد را با چاقو زده بود در انتظار عمومی به دار آویخته شد. او ادعا کرد این کار را در دفاع از خود انجام داده است. دولتمردان ایران ادعا کردند که او بر اساس سال کوتاه تر قمری ۱۸ سال داشته است. به علاوه، عفو بین الملل گزارش هایی در باره اعدام احتمالی چهار مجرم نوجوان دیگر دریافت کرد.

در نوامبر، دیوان عالی کشور ایران حکم اعدام شایان امیدی و یک بزرگسال را به خاطر قتل و سرقت صادر کرد. بنا به گزارش ها، شایان امیدی در اکتبر ۲۰۱۰ که مرتکب جرم شد ۱۶ سال داشته است. در پایان سال ۲۰۱۱، عفو بین الملل فهرستی از ۱۴۵ مجرم نوجوان محکوم به اعدام در ایران را گردآوری کرده بود که در سال ۲۰۰۸ شروع شد، گرچه دنبال کردن سرنوشت افراد در همه موارد سخت است.

زنان تنها بخش کوچکی از کل تعداد افراد محکوم به اعدام و اعدامی را در ایران تشکیل می دهند. اکثر آنها به خاطر قتل محکوم می شوند، اما بعضی از زنان نیز پس از شرکت در قاچاق مواد مخدر در سطح خُرد برای تامین خانواده شان به اعدام محکوم می گردند. سه زن به نام های حوریه صباحی، لیلا حیاتی و رقیه خلجی، که همه دارای فرزندان وابسته به آنها بودند، به خاطر قاچاق مواد مخدر در مقیاس کوچک در سپتامبر ۲۰۱۱ اعدام شدند. حداقل ۱۴ زن و مرد پس از محکومیت به خاطر «زنای محصنه» محکوم به اعدام به وسیله سنگسار هستند، گرچه از سال ۲۰۰۹ هیچ حکم سنگسار اجرا نشده است. سکینه محمدی آشتیانی در سراسر سال در خطر اعدام بود. او در سال ۲۰۰۶ به

اتهام نقش خود در قتل شوهرش سنگسار و یک حکم زندان محکوم شده است. در دسامبر ۲۰۱۱، دولتمردان ایران گویا بحثی در باره اعدام او به وسیله دار به راه انداختند.

جنبش کوچک اما رو به رشد ایرانی، بیشتر شامل ایرانیان تبعیدی، در سال ۲۰۱۱ بیشتر به چشم می خورد. شرکت کنندگان در آن شامل مدافعان حقوق بشر و وکلای آنها هستند که مجبور شدند از ایران به کشورهای دیگر مثل ترکیه فرار کنند.

عفو بین الملل همچنین از مورد حداقل نُه وکیل مطلع است که در حال حاضر گویا به خاطر فعالیت دفاعی و فعالیت های حقوق بشری دیگر یا استفاده برحق از آزادی بیان خود در زندان به سر می برند. با وجود این، محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، در کنفرانسی در سازمان ملل در تاریخ ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱ اعلام کرد: «هیچ وکیلی به خاطر این که وکیل یا مدافعان حقوق بشر است در زندان به سر نمی برد.»

وکیل حقوق بشری عبدالفتاح سلطانی در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۱ دستگیر شد و در انتظار پایان محاکمه به اتهام «ارتباط با گروه های تروریستی»، «تبلیغ علیه نظام»، «تشکیل گروه غیرقانونی مخالف با نظام» [کانون مدافعان حقوق بشر] و «اجتماع و تبانی به قصد اخلال در امنیت کشور» در بازداشت به سر می برد. او با اتهام دیگری نیز در ارتباط با دریافت جایزه بین المللی حقوق بشر نورنبرگ در سال ۲۰۰۹ روبرو است که دولتمردان «جایزه غیرقانونی» نامیده اند، گرچه او از سفر به آلمان برای دریافت آن منع شد.

کاربرد مجازات اعدام در ایران از توجه زیادی در سازمان ملل برخوردار شده است. در فوریه، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، گزارشگر ویژه برای اعدام های فراقضایی، فوری یا خودسرانه و گزارشگر ویژه برای استقلال قضات و وکلا در بیانیه های عمومی در باره افزایش شدید اعدام در ایران که در غیاب تضمین های رسمی بین المللی انجام می شود هشدار دادند. دبیرکل سازمان ملل در سراسر سال به جلب توجه ویژه به تعداد رو به افزایش موارد اتهام محاربه (دشمنی با خدا) با مجازات اعدام علیه زندانیان سیاسی ادامه داد. [۷] بر اساس قانون در ایران، محاربه در ارتباط با استفاده از خشونت مسلحانه است. اما، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، ناظران ویژه سازمان ملل و دیگر کارشناسان مستقل بارها ماهیت مساله آفرین و خودسرانه این گونه اتهام ها را مورد سوال قرار داده اند.

گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، در گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر، نگرانی ویژه خود را از اعدام های دسته جمعی مخفی در داخل زندان ها و نیز اعدام در انظار عمومی ابراز کرد. [vi] گزارشگر ویژه شکنجه و مجازات ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در ماه سپتامبر در فراخوانی عمومی به دولت ایران برای اعلام تعلیق فوری مجازات اعدام به ویژه در مورد جرایم مواد مخدر و مجرمان نوجوان به همکاران خود پیوست. کمیته حقوق بشر، در ملاحظات پایانی خود در نوامبر ۲۰۱۱ بر گزارش کشوری ایران، نگرانی خود را از موارد زیر ابراز کرد: خطر آزار و تعقیب، مجازات های ظالمانه و حتا مجازات اعدام برای هم جنس گرایان زن و مرد، دوجنس گرایان، و دگرجنس گونه ها؛ دامنه ی گسترده جرایم اغلب مبهمی که به اجرای مجازات اعدام می انجامد؛ تداوم اجرای مجازات اعدام در انظار عمومی، و سنگسار به عنوان شیوه ی اعدام. کمیته همچنین با نگرانی تعداد زیاد اعدام های دولتی در مناطق اقلیت نشین، تداوم اعدام کودکان و صدور حکم اعدام برای کودکان، و الزام ماده ی ۲۲۵ لایحه قانون مجازات به صدور حکم اعدام برای مردان محکوم به ارتداد را مورد ملاحظه قرار داد. [vii]

[i] در بعضی موارد، مسئولان قضایی آمار اعدام ها و حکم های اعدام را بر اساس سال شمسی اعلام می کنند که در مارس ۲۰۱۰ یا مارس ۲۰۱۱ شروع شده است. از آنجا که همیشه امکان برقراری ارتباط دقیق این اعدام ها به دوره ژانویه – دسامبر وجود ندارد، این ارقام از این آمار حذف شده است.

[ii] عفو بین الملل شش اعدام دیگر در انظار عمومی از طریق منابع غیررسمی ثبت کرده، که جمع کل را به ۵۶ مورد می رساند.

[iii] گزارش میان دوره ای دبیر کل به شورای حقوق بشر در باره وضعیت حقوق بشر در ایران، ۱۴ مارس ۲۰۱۱، سند سازمان ملل A/HRC/۱۶/۷۵ به تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۱۱، بند ۱۵

[iv] عفو بین الملل، «معتاد به مرگ: اعدام به اتهام جرایم مواد مخدر در ایران»، MDE ۱۳/۰۹۰/۲۰۱۱، دسامبر ۲۰۱۱

[v] گزارش میان دوره ای دبیر کل به شورای حقوق بشر در باره وضعیت حقوق بشر در ایران، ۱۴ مارس ۲۰۱۱، سند سازمان ملل A/HRC/۱۶/۷۵، گزارش دبیر کل به مجمع عمومی سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱، سند سازمان ملل A/۶۶/۳۶۱،

[vi] گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سند سازمان ملل A/۶۶/۳۷۴ به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱، بندهای ۶۹-۷۲

[vii] ملاحظات پایانی: ایران، کمیته حقوق بشر، اجلاس ۱۰۳، ۱۷ اکتبر - ۴ نوامبر ۲۰۱۱، بندهای ۱۰، ۱۳-۱۲، ۲۳

برای ملاحظه متن کامل گزارش عفو بین الملل:

<http://www.amnesty.org/en/library/asset/ACT50/001/2012/en/241a8301-05b4-41c0-bfd9-2fe72899cda4/act500012012en.pdf>

تمدید ماموریت شهید : شکست سیاست جمهوری اسلامی

گفتگو با عبدالکریم لاهیجی

شورای حقوق بشر سازمان ملل ماموریت احمد شهید در گزارش نقض حقوق بشر در ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد. فعال حقوق بشر عبدالکریم لاهیجی امیدوار است در این دوره احمد شهید بتواند به ایران سفر کند.

۲۲ کشور از ۴۷ عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل به قطعنامه‌ای رای دادند که بر اساس آن ماموریت احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره ایران برای مدت یک سال دیگر تمدید می‌شود.

دوچپ‌هوله: آقای دکتر لاهیجی، ماموریت احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران برای یک سال دیگر تمدید شده است. این تصمیم به چه معناست و چه نتیجه‌ای دارد؟ آیا نشانه‌ی این است که گزارش‌های او از طرف سازمان ملل ناکافی قلمداد شده است؟

عبدالکریم لاهیجی: این شکست سیاست جمهوری اسلامی برای می‌توانم

بگوییم صدمین بار است. یعنی با تمام مانورهایی که محمد جواد لاریجانی در رأس یک هیئت به قول خودشان عالمرتبه در ژنو انجام داد و حملات پیدری وی، بدون هیچ گونه علت و توجیهی که به صورت کاملاً ناجوانمردانه، برضد احمد شهید کردند و اینکه جمهوری اسلامی برای چندمین بار باز تعهد می‌کند که با نهادهای حقوق بشر سازمان ملل همکاری کند، دیدیم که مأموریت احمد شهید تمدید شد.

شورای حقوق بشر قطعنامه‌ای صادر کرده و طی آن مأموریت احمد شهید را هم تمدید کرده است. این قطعنامه حاوی چه نکات دیگری بود؟

این قطعنامه به قطعنامه‌ای که شورای حقوق بشر سال قبل صادر کرده اشاره می‌کند و برای نخستین بار پس از هشت سال دوباره برای ایران گزارشگر ویژه تعیین کرده. قطعنامه همچنین به قطعنامه‌ای که در دسامبر سال گذشته یعنی چند ماه پیش مجمع عمومی سازمان ملل در ارتباط با وضعیت وخیم و واقعاً پیچیده‌ی حقوق بشر در ایران صادر کرده هم اشاره می‌کند. همچنین این قطعنامه به اینکه آقای احمد شهید گزارش بسیار موجه و کم و بیش کاملی به‌خصوص از وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران صادر کرده را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. و بالاخره قطعنامه اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی متأسفانه با گزارشگر ویژه همکاری نکرده و به او اجازه‌ی ورود به ایران را نداده است. بنابراین مأموریت احمد شهید برای یکسال دیگر تمدید می‌شود و باز تأکید مؤکد به جمهوری اسلامی که باید با گزارشگر ویژه همکاری کند و از دبیرکل سازمان ملل هم خواسته می‌شود که موجبات و زمینه‌ی این همکاری را فراهم کند. یعنی چه؟ یعنی اینکه فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی برای پذیرش گزارشگر ویژه و اینکه او بتواند از نزدیک وضعیت حقوق بشر در ایران را مورد رسیدگی قرار دهد.

فکر می‌کنید که واکنش جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ با این مواردی که در قطعنامه آمده و اشاره شده به اینکه جمهوری اسلامی با احمد شهید همکاری نکرده و یکسال دیگر هم مأموریتش تمدید شده، فکر می‌کنید امکانش هست که جمهوری اسلامی یک مقدار رویه‌اش را تغییر دهد و به احمد شهید حداقل ویزای ورود به ایران را بدهد؟

تمام این کوشش‌های ما و جامعه بین‌المللی در این مسیر است که جمهوری اسلامی دست از این سیاست فرار به جلو بردارد و یک سیاست کم و بیش ناشی از عقلانیت و نه ناشی از زدوبندهای سیاسی و برخوردهای به تمام معنی سیاسی-ایدئولوژیک با مقوله‌ی حقوق بشر در پیش گیرد. همان طور که خدمت‌تان گفتم هشت سال بود که برای ایران گزارشگر

ویژه نبود. ولی وقتی که پنج سال جمهوری اسلامی به هیچیک از گزارشگران موضوعی هم اجازه‌ی ورود به ایران را نداد، پس از وقایع خونبار بعد از انتخابات ریاست جمهوری، این گزارشگران موضوعی سعی کردند به ایران بروند. در ارتباط با بازداشت خودسرانه، در ارتباط با بالارفتن رقم اعدام در ایران، در ارتباط با شکنجه. به هیچکدام از این گزارشگران موضوعی اجازه‌ی ورود به ایران را ندادند. بالاخره شورای حقوق بشر ناگزیر شد گزارشگر ویژه برای ایران تعیین کند. ولی باز هم با گزارشگر ویژه همکاری نمی‌کنند. این بار هم تمام تمهیدات هیئت نمایندگی ایران راه به جایی نبرد و آنها شکست خوردند.

در مورد تعداد کشورهایی که به این قطعنامه رأی داده‌اند، اعلام شده که ۲۲ رأی موافق در برابر ۵ رأی مخالف و ۲۰ رأی ممتنع بوده. آیا این تعداد تغییری نسبت به قطعنامه‌های قبلی دارد؟

سال پیش هفت کشور به قطعنامه رأی مخالف دادند. امسال شده ۵ کشور! اگر این وضعیت ادامه یابد، سال آینده خواهد شد ۲ کشور. شاید فقط چین و روسیه و شاید هم کوبا. وقتی شما به این ۲۲ کشور نگاه می‌کنید می‌بینید که همه کشورهای غربی نیستند. می‌دانید که در شورای حقوق بشر هر قاره تعدادی نماینده دارد. بنابراین کشورهای غربی رقم^۱شان به نصف ۲۲ کشور هم نمی‌رسد. کشورهای آمریکای لاتین هستند و در صدر آنها بزرگترین کشورهای آمریکای لاتین برزیل، آرژانتین، شیلی و مکزیک. کشورهای آسیایی هستند، کشورهای آفریقایی هستند. جمهوری اسلامی باید از خودش سؤال کند چه طور است که یک کشور مسلمان مثل موریتانی سال گذشته رأی مخالف می‌دهد و امسال رأی موافق می‌دهد. حتی رأی ممتنع هم نمی‌دهد و این علت دیگری ندارد، مگر این سیاست قهر و لجبازی جمهوری اسلامی.

با توجه به این^۲ که این سیاست راه به جایی نبرده، ما این امید را داریم که جمهوری اسلامی دست از این سیاست بردارد و واقعاً با احمد شهید وارد گفتگو شود و به او اجازه‌ی ورود به ایران را بدهد تا زمینه‌ی یک تحقیق عینی از نزدیک برای او فراهم بی‌آید، بدون این‌که اینجا ما بخواهیم هیچ پیشداوری کنیم که آیا آن گزارش از گزارشی که الان جلوی شورای حقوق بشر هست تندتر خواهد بود یا این‌که ممکن است در بعضی از قسمت‌ها هم حتی احمد شهید در اظهارنظرها و تحقیقاتی که می‌کند تجدیدنظر کند و گزارش معتدل‌تری دهد. ما برای این‌که جای هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ی ابزاری از گزارش گزارشگر ویژه نباشد، همین الان اعلام می‌کنیم که راه دیگری برای جمهوری اسلامی

نیست، مگر این‌که بگذارد آقای احمد شهید از نزدیک وضعیت حقوق بشر را در ایران مورد تحقیق و ارزیابی قرار دهد.

در میان کشورهای رای‌دهنده، ۲۰ رأی ممتنع بوده که به نظر رقم بالایی هم هست در مقایسه با ۲۲ رأی موافق. این کشورهایی که رأی ممتنع می‌دهند، رویکردشان چیست، این رأی ممتنع چه مفهومی از نظر حقوقی دارد؟

این کشورها به قول خودشان از یک طرف عضو شورای حقوق بشر هستند و از طرفی هم متأسفانه نماینده‌ی کشورها و دولت‌هایی هستند که وضعیت حقوق بشر در آن کشورها هم بد است، البته به وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران نیست، ولی در هر حال زیاد پسندیده نیست. به خاطر همین کشورها هم سعی می‌کنند یک حالت بیطرفانه داشته باشند. نه موجب عصبانیت جمهوری اسلامی شوند که اگر فردا وضعیت حقوق بشر در آن کشورها هم در شورای حقوق بشر مطرح شد، جمهوری اسلامی هم جبهه نگیرد و به ضرر آنها رأی ندهد. از یکطرف هم نمی‌خواهند با جامعه بین‌المللی به یک چالش جدیدی پردازند، برای این‌که عضو شورای حقوق بشرند. از طرف دیگر هم آنها نمی‌توانند بگویند که حقوق بشر یک مقوله‌ی ملیست و ارتباطی با جامعه بین‌المللی ندارد برای این‌که خودشان عضو نهاد حقوق بشری سازمان ملل هستند. این است که یک سیاست معتدل را در پیش می‌گیرند و سعی می‌کنند رأی ممتنع دهند.

و در یک سال پیش روی احمد شهید فکر می‌کنید چه کارهایی را که در طول این مدت انجام نداده می‌تواند انجام دهد؟

همان طور که گفتم، گزارش احمد شهید گزارش از راه دور است. درست است که سازمان‌های حقوق بشر تا آنجا که می‌توانستند گزارش‌های متعدد به احمد شهید دادند. در گزارش احمد شهید به گزارش‌هایی که ما دادیم، یعنی جامعه دفاع از حقوق بشر و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، اشاره شده و خود احمد شهید با بیش از صد تن از شاهدان عینی و قربانیان نقض حقوق بشر در ایران گفتگو کرده و شهادت آنها را شنیده. ولی رفتن به محل و از نزدیک تماس گرفتن با مثلاً زندانیان سیاسی یا به طور کلی با همه زندانیان- برای این که وضعیت همه‌ی زندانیان در ایران وخیم است- اینها جزو مسائلیست که احمد شهید باید رسیدگی کند. یا رفتن به شهرستانها. می‌دانید در مناطق مرزی در بسیاری از جاها مثل بلوچستان، کردستان حالت کم و بیش فوق‌العاده برقرار است. حتی بعضی وقتها صحبت حالت نیمه جنگی در آنجاها هست. پس تا به اینجاها نرود، تا با قربانیان نقض حقوق

بشر صحبت نکند، رسیدگی یک رسیدگی کاملی نخواهد بود.

بنابراین آن چیزی که آقای احمد شهید طی سال آینده در پیش دارد، مأموریتیست به مراتب سنگین‌تر از سال گذشته. برای این‌که باید همه کوشش و تلاش خودش را مصروف این کند که اجازه‌ی ورود به ایران به او داده شود و اینجاست که در قطعنامه هم از دبیرکل سازمان ملل خواسته‌اند در این رهگذر به گزارشگر ویژه کمک کند. یعنی آنها هم فشار بیشتری بر جمهوری اسلامی وارد کنند و همین‌طور سازمان‌های دفاع از حقوق بشر. می‌دانید که دو روز پیش ما خطاب به اعضای شورای حقوق بشر نامه‌ای نوشتیم که ۲۰ سازمان حقوق بشری این نامه را امضاء کرده بودند و مسئولیت آنها را در این نامه خاطرنشان کرده بودیم. الان هم تلاش و کوشش ما این است که ما هم به‌ویژه از طریق اتحادیه اروپا فشار بیشتری بر جمهوری اسلامی وارد کنیم که جمهوری اسلامی ناگزیر از صدور ویزا و دعوت از احمد شهید شود.

مصاحبه‌گر: میترا شجاعی

تحریریه: داود خدا بخش

ما موریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران را تمدید کنید!

نامه بیست سازمان و گروه حقوق بشری بین‌المللی و ایرانی به شورای حقوق بشر سازمان ملل

قرار گرفتن بررسی وضعیت حقوق بشر ایران در دستور کار گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، ایرانیان را در داخل و خارج از آن کشور به شکل بی‌سابقه‌ای برای همکاری با جامعه جهانی بسیج کرده است. در جلسات متعدد، قربانیان و فعالان به ما گفته‌اند که آنها دفتر گزارشگر ویژه را به عنوان یک کانون حیاتی برای مستندسازی نقض حقوق بشر، و مرجعی بی‌طرف و قابل اعتماد برای گفتگو میان قربانیان و سازمان ملل و کشورهای عضو آن سازمان می‌دانند. در این زمینه، گزارشگر ویژه می‌تواند برای قربانیان نقض حقوق بشر در

ایران نقشی حیاتی ایفا کند که قربانیان حقوق بشر از داشتن آن در کشور خود محروم نماند.

۱۶ مارس ۲۰۱۲

نامه مشترک در حمایت از ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران
به کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد:

همانطور که اطلاع دارید، در حال حاضر ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران در آستانه تمدید قرار دارد و در روزهای ۲۱ یا ۲۲ مارس، این موضوع در شورای حقوق بشر سازمان ملل به رای گذاشته خواهد شد. در این زمان که وضعیت حقوق بشر در ایران به میزان قابل توجهی بدتر شده و آن کشور از همکاری با نهادهای سازمان ملل امتناع می‌ورزد، حمایت کشورهای عضو این شورا از تمدید ماموریت گزارشگر ویژه دارای اهمیت حیاتی است.

هدف ما از نگارش این نامه، جلب حمایت شما برای دادن رای مثبت به قطعنامه تمدید ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران است.

در روز ۷ مارس، دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، گزارش دوم خود را از موارد نقض حقوق بشر در این کشور ارائه داد. این گزارش، که در ادامه گزارش مقدماتی او در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱ منتشر شد، «موارد خیره کننده نقض حقوق بشر» توسط مقامات ایرانی را مستند ساخته و از خودداری مداوم آن کشور از همکاری با نهادهای سازمان ملل انتقاد کرد. این گزارش همچنین از امتناع مقامات ایران برای صدور مجوز بازدید به گزارشگر ویژه و عدم همکاری آن دولت با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و گزارشگران دیگر نهادهای آن، باوجود ارسال دعوتنامه‌ی دائمی در سال ۲۰۰۲ جهت بازدید از آن کشور انتقاد می‌کند.

مقامات ایرانی در حالی که از همکاری با گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران خودداری می‌کنند، در قبال انتقاد و ملاحظات او به شدت حساس‌اند. در ماه فوریه، آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران، گفت که این گزارش پر از دروغ است. با این حال، دولت وی از ارائه نظرات اساسی و یا اطلاعات واقعی برای تکمیل آن گزارش قبل از انتشار آن امتناع ورزید. از آن زمان تاکنون، ایران به شدت تلاش کرده است تا خود را همنوا و همکار با نهادهای سازمان

ملل و عهدنامه های حقوق بشری نشان دهد.

مقامات دولتی در ۵ مارس ۲۰۱۲ در مورد گزارش گزارشگر ویژه شکنجه ادعا نمودند که ایران اقداماتی را برای جلوگیری از شکنجه اتخاذ کرده است و اظهار داشتند که قربانیان شکنجه از حمایت قانون برخوردارند. متأسفانه چنین ادعاهایی در تناقض کامل با گفته‌های ده‌ها زندانی سابق قرار دارد که درباره رفتار مسئولین نیروهای امنیتی با خود در زندان‌های ایران به سازمان های ما و گزارشگر ویژه سازمان ملل ابراز داشته‌اند.

در ۱۳ مارس ۲۰۱۲، دکتر محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران، درواکنش به گزارش دکتر شهید، دوباره با تاکید از گزارشگران موضوعی حقوق بشر سازمان ملل دعوت به عمل آورد تا از ایران بازدید کنند، اما از ارائه تاریخ دقیق برای این منظور فروگذاری نمود. با وجود ارسال دعوتنامه دائمی در سال ۲۰۰۲ به سازمان ملل، و تقاضای‌های متعدد گزارشگران موضوعی برای بازدید از آن کشور، هیچ کدام از آنها نتوانسته‌اند از سال ۲۰۰۵ تاکنون از ایران بازدید کنند و تقریباً هیچ یک از پیشنهادات مطرح شده گزارشگران ویژه‌ای که قبل از آن به ایران سفر کردند تاکنون عملی نشده است.

در ظرف چند ماه گذشته، ایران همچنین پس از ۱۷ سال گزارشی در باره کارنامه خود در زمینه حقوق بشر به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرد، بعضی تغییرات سطحی در قانون مجازات اسلامی انجام داد و مدعی است این قانون با تعهدات بین المللی آن سازگار است، و همچنین با سفر کارمندان دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در ماه دسامبر گذشته برای یک ماموریت محدود به تهران موافقت کرد.

اما واقعیت این است که تلاش‌های ایران برای نمایش بهبود در کارنامه حقوق بشر آن کشور عاری از دستاوردهای اساسی و ارائه یک راه حل عملی برای وضعیت اسفناک حقوق بشر در آن کشور است. از زمانی که بررسی وضعیت حقوق بشر آن کشور در دستور کار گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران قرار گرفته است، صدور قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و ملاحظات نهادهای سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران پیوسته رو به افزایش بوده است. در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱، دبیر کل سازمان ملل گزارشی را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد و در آن «از گزارش‌های رسیده در مورد افزایش شمار اعدام‌ها، قطع اعضای بدن، دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه، تشکیل دادگاه‌های

ناعادلانه، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان عمیقاً ابراز ناراحتی» کرد و از «سرکوب فعالان حقوق بشر، وکلا، روزنامه‌نگاران، و فعالان مخالف در آن کشور تاسف خود را ابراز» داشت.

در ۳ نوامبر ۲۰۱۱، کمیته حقوق بشر به دنبال بررسی پایبندی ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملاحظات نهایی خود را منتشر کرد. این یافته‌ها درواقع نشان‌دهنده محکومیت شدید کارنامه حقوق بشر جمهوری اسلامی به وسیله این کمیته بود و از جمله نگرانی جدی در رابطه با افزایش تعداد اعدام‌ها در آن کشور، به خصوص برای جرائمی که در حقوق بین المللی «جرائم جدی» محسوب نمی‌شوند، «استفاده گسترده از شکنجه»، و معافیت مسئولان از مجازات را در بر می‌گرفت. این کمیته همچنین در مورد تمایل دولت ایران به پایبندی به تعهدات حقوقی بین المللی آن به شکل جدی ابراز تردید کرد. در همان ماه، کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را با بیشترین رای از سال ۱۹۹۲ به بعد تصویب کرد و از دولت ایران خواست تا بدون قید و شرط به گزارشگر ویژه اجازه بازدید از آن کشور را بدهد.

گزارش گزارشگر ویژه براساس شهادت‌های جمع‌آوری شده از بیش از ۱۰۰ قربانی و خانواده‌های آنها، و اطلاعات ارائه شده توسط منابع قابل اعتماد به او تدوین گردیده است. این امر نشان‌دهنده این است که باوجود امتناع دولت ایران از صدور مجوز بازدید به گزارشگر ویژه، او به مأموریت خود از طریق همکاری با قربانیان و فعالان جامعه مدنی ادامه داده و در این راستا موفق بوده است.

گزارش او تصویر تیره‌ای از وضعیت فعلی حقوق بشر در ایران ارائه می‌کند. در سال گذشته، مقامات احتمالاً بیش از ۶۰۰ زندانی را اعدام کردند. اغلب آنان به جرائم مواد مخدر محکوم شده بودند که طبق حقوق بین المللی از جمله «جرائم جدی» به حساب نمی‌آیند. آنها در ضمن دست کم سه نوجوان را به دار آویختند که یکی از آنان در ملا عام اعدام شد، درحالی که در حقوق بین المللی اعدام نوجوانان به صراحت ممنوع شده است. ایجاد روابط جنسی مبتنی بر رضایت طرفین میان افراد همجنس در ایران جرم و در قانون مجازات اسلامی ایران دارای شدیدترین مجازات از جمله مرگ است. ایران یکی از بزرگ‌ترین زندان‌ها برای روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان در جهان است، و به گزارش «گزارشگران بدون مرز» دست کم ۴۵ روزنامه نگار در دسامبر ۲۰۱۱ در زندان به سر می‌بردند. سیاست‌های تبعیض آمیز علیه اقلیت‌های مذهبی و قومی، مانند بهائیان و اعراب، به طور

سیستماتیک اعمال می‌شود و مقامات به سیاست سرکوب هدفمند و کلایی که از فعالان حقوق بشر دفاع می‌کنند شدت بخشیده‌اند. دست کم ۹ وکیل در حال حاضر در زندان به سر می‌برند و چند تن دیگر منتظر دادگاه و یا حکم دادگاه تجدیدنظر خود هستند. تعدادی دیگر، از جمله شیرین عبادی، گیرنده جایزه صلح نوبل، در حال حاضر در خارج از ایران فعالیت می‌کنند، زیرا نمی‌توانند آزادانه وظایف حرفه‌ای خود را در داخل ایران انجام دهند.

قرار گرفتن بررسی وضعیت حقوق بشر ایران در دستور کار گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، ایرانیان را در داخل و خارج از آن کشور به شکل بی‌سابقه‌ای برای همکاری با جامعه جهانی بسیج کرده است. در جلسات متعدد، قربانیان و فعالان به ما گفته‌اند که آنها دفتر گزارشگر ویژه را به عنوان یک کانون حیاتی برای مستندسازی نقض حقوق بشر، و مرجعی بی‌طرف و قابل اعتماد برای گفتگو میان قربانیان و سازمان ملل و کشورهای عضو آن سازمان می‌دانند. در این زمینه، گزارشگر ویژه می‌تواند برای قربانیان نقض حقوق بشر در ایران نقشی حیاتی ایفا کند که قربانیان حقوق بشر از داشتن آن در کشور خود محروم‌اند.

ما معتقد هستیم که ادامه ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران برای ایجاد زمینه همکاری ایرانیان با جامعه جهانی، اعمال فشار بر دولت ایران جهت پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر، و فراهم آوردن نظارت مجامع و کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر بر وضعیت حقوق بشر در آن کشور حیاتی است.

ما امیدواریم که شما و همکاران‌تان با این خواست ما هم‌نوا باشید و در جلسه بعدی که قرار است در ژنو برگزار گردد، به تمدید ماموریت گزارشگر ویژه رای مثبت بدهید.

با احترام،

مرکز آفریقایی حقوق بشر و دموکراسی

انجمن دموکراسی آفریقایی

عفو بین‌الملل

انجمن آسیایی حقوق بشر و توسعه (انجمن آسیا)

مرکز منابع حقوقی آسیا

جامعه بین المللی بهائی

انجمن ابتکار حقوق بشر کشورهای مشترک المنافع

ارتباط حقوق بشر

انستیتیو مطالعات حقوق بشر قاهره

پروژه مدافعان حقوق بشر شرق و شاخ افریقا

ابتکار مصری برای دفاع از حقوق شخصی

دیده بان حقوق بشر

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران

فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر

سرویس بین المللی برای حقوق بشر

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

مشارکت برای عدالت، نیجریه

گزارشگران بدون مرز

اتحاد برای ایران

شبکه مدافعان حقوق بشر غرب افریقا

http://www.fidh.org/Renew-SR-s-mandate-on-Iran?var_mode=previe

W

در بزرگداشت یاد او



جمعی از دوستان و دوستداران سیمین دانشور

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که همدوران روشندل ما، همواره امید بود و چه در آن سالهای اوج و فرود نهضت ملی ایران و چه درین راه و بیراهه های سالهای انقلاب ایران، گوئی همچنان و هر زمان، همچون درختها در پرسش از باد نشسته بود: " در راه که می آمدی، سحر را ندیدی؟ "

سیمین دانشور

(۱۳۹۰ - ۱۳۰۰)

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که انتشار رمان «سووشون» در سال ۱۳۴۸، حادثه ای بزرگ و یگانه در حیات ادبیات معاصر ایران بود؛ این رمان به یکی از نیازهای تاریخی جامعه ادبی ما پاسخی شایسته داد. «سووشون» با برخورداری از یک بازسازی معتبر و نیرومند، زبانی رسا و کارآ و در عین حال ساده و بی تکلف، انبوهی از شخصیت های گیرا و آشنا، و این همه استوار بر بینشی عمیقاً انسانی و برگرفته از فرهنگ ایرانی، جستجوها و تلاش های داستان نویسان ایرانی در طول دهها سال را به ثمر رساند و سرانجام به خوانندگانی ایرانی امکان داد تا در گونه رمان به بررسی و بازشناسی زندگی و سرگذشت خود بنشینند.

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که کارنامۀ سیمین دانشور به این دستاورد بزرگ محدود نمی شود. بانوی فرزانه جامعۀ ادبی ما با نوشتن و ترجمۀ دهها مقاله، رمان و داستان کوتاه، سهم بزرگی در سرزندگی و رونق و اعتبار ادب و فرهنگ و زبان زمانۀ ما داشت.

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که چندین دهه آموزش و پژوهش او در زیبائی شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه تهران، نسلهایی از دانشجویان و شنوندگان را با نظر و نظرگاههای تازه ای بر هنر ایران و بر مباحث هنرشناسی و زیباشناختی آشنا کرد. در زبان و کلام او، زیبایي شناسی از دنیای احکام خشک و تعارفهای قالبی و داوریهای سیاه و سپید دوری میگرفت و به اندیشیدن و پژوهیدن در آفرینش هنری در جامعه میانجامید.

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که بانوی فرزانه فرهنگ ما روشنفکری آزاده و بیدار بود؛ از بنیانگذاران (۱۳۴۷) و از جمله اعضای نخستین هیئت دبیران (۴۸-۱۳۴۷) کانون نویسندگان ایران.

هماره و همچنان در کانون و با کانون و کانونی ماند. آزادی اندیشه را پاس می داشت که باید بی هراس از سانسور و ممیزی، اندیشید و گفت و شنید و نوشت. قلمها را شکسته و زبانها را بسته نمی خواست. در استقلال و کوشنده و با درد زمانه زیست.

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که از بزرگ بانوان زمانه بود، از تیره و خمیرِ آنان که در میان نابرابریها و برغم همه سنتها و آئینها و پندارهای زن ستیزانه، برابری زن و مرد را جستند و خواستند و زیستند و آینده و آینده ها را آرام و بی هراس نوید دادند.

اکنون که دیگر با ما نیست به یاد بیاوریم که همدوران روشندل ما، همواره امید بود و چه در آن سالهای اوج و فرود نهضت ملی ایران و چه درین راه و بیراهه های سالهای انقلاب ایران، گوئی همچنان و هر زمان، همچون درختها در پرسش از باد نشسته بود: " در راه که می آمدی، سحر را ندیدی؟ "

یادش بیدار.

۲۴ اسفند ۱۳۹۰ / ۱۴ مارس ۲۰۱۲

ارواند آبراهامیان - سیروس آرین پور - نعمت آزر - داریوش آشوری - احمد اشرف - بهمن امینی - علی امینی نجفی - کاظم ایزدی - منیره برادران - رضا براهنی - علی بنوعزیزی - سهراب بهداد - شهرنوش پارسی پور - ناصر پاکدامن - آذر پورآذر - امیر پیشداد - نیر - توحیدی - محمد توکلی ترقی - حمید رضا جاودان - محمد جلالی (م. سحر) - علی اصغر حاج سیدجوادی - فرنگیس حبیبی - حسن حسام - محسن حسام - نسیم خاکسار - هادی خرسندی - فرهاد خسروخاور - لطفعلی خنجی - اسماعیل خویی - جلیل دوستخواه - حسین دولت آبادی - قاضی ربیحاوی - ناصر رحمانی نژاد - نسرين رحیمیه - مجید روشنگر - سعید رهنما - ناصر زراعتی - رکسان زند - هوشنگ سیاح پور - علی شیرازی - ساناز صحتی - رضا علامه زاده - آنا عنایت - محمود عنایت - رضا قاسمی - محمد قانون پرور - شهرام قنبری - علی قیصری - کیان کاتوزیان - محمدعلی همایون کاتوزیان - داریوش کارگر - فرهاد کاظمی - کاظم کردوانی - احمد کریمی حکاک - زریون کشاورز صدر - هوشنگ کشاورز صدر - منصور کوشان - مریم متین دفتری - هدایت متین دفتری - رضا مرزبان - فریدون معزی مقدم - بهروز معظمی - هایده مغیثی - اسفندیار منفردزاده - فرزانه میلانی - فرهاد نعمانی -

مجید نفیسی - شهین نوائی - پرتو نوری علا - مهشید نوشیروانی -
وحید نوشیروانی - هما نوشیروانی - بهمن نیرومند - شاداب وجدی -
محسن یلفانی.

گزارش تازه احمد شهید از وضعیت حقوق بشر ایران

احمد شهید

ازدحام بیش از حد زندانیان، نبود آب کافی، عدم رعایت کافی اصول
جداسازی زندانیان، تاسیسات غیر بهداشتی و فوق العاده بی کیفیت،
شرایط خطرناک تهویه، دسترسی ناکافی به خدمات پزشکی، ارائه غذای
کم، ارتکاب خشونت و به خدمت گرفتن زندانیان برای تسهیل مجازات.

چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۰

احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران
گزارش تازه ای را در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور منتشر کرد.
این گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه می‌شود.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در این گزارش از موارد شکنجه بازداشت
شدگان در ایران انتقاد کرده است.

او نوشته است: "بعضی (از مصاحبه شوندگان) اظهار کرده اند که در
معرض رفتاری قهرآمیز قرار گرفته اند که مصداق شکنجه است، از جمله
نگهداری بیش از اندازه در حبس انفرادی، شوک الکتریکی، ضرب و شتم
شدید، تهدید به تجاوز جنسی و تهدید به بازداشت یا آسیب رساندن به
دوستان و بستگان و اعضای خانواده. همچنین گفته شده است که
بازداشت شدگان مجبور شده اند مقابل دوربین های تلویزیونی اعتراف
کنند."

به گزاری بی بی سی، احمد شهید همچنین اظهارات شاهدانی را نقل
کرده است که می گویند از حق دادرسی عادلانه در ایران محروم شده

بودند. بعضی از این افراد گفته اند که هنگام بازداشت نه حکمی قانونی به آنها ارائه شده و نه دلیلی برای دستگیری آنها ذکر شده و در بعضی موارد ماه ها در سلول انفرادی نگهداری شده اند، بدون آن که اتهامی به آنها تفهیم شود.

در گزارش آقای شهید آمده است: "تمام مصاحبه شوندگان اظهار کرده اند که در خلال انتقال به بازداشتگاه و بازجویی به آنها چشم بند زده شده بود و اکثراً نتوانسته اند با اعضای خانواده خود تماس بگیرند تا بگویند در کجا نگهداری می شوند و پس از دستگیری و همچنین در خلال تحقیقات، به وکیل دسترسی نداشتند."

او همچنین شرایط زندانها و بازداشتگاه های ایران را پایین تر از "حداقل استانداردهای اعلام شده از سوی سازمان ملل" توصیف کرده است: "ازدحام بیش از حد زندانیان، نبود آب کافی، عدم رعایت کافی اصول جداسازی زندانیان، تاسیسات غیر بهداشتی و فوق العاده بی کیفیت، شرایط خطرناک تهویه، دسترسی ناکافی به خدمات پزشکی، ارائه غذای کم، ارتکاب خشونت و به خدمت گرفتن زندانیان برای تسهیل مجازات."

احمد شهید می گوید که با چهار نفر از بازداشت شدگان سابق بازداشتگاه کهریزک صحبت کرده و اظهارات آنها موارد مکرر اعتراض به شرایط زندانهای ایران را تایید می کند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در ادامه گلایه می کند که مقامهای متخلف از جمله سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران، از مصونیت قضایی برخوردارند و از این که هنوز تحقیقی کامل، بیطرفانه و مستقل درباره حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ صورت نگرفته، ابراز دلسردی کرده است.

او همچنین اذیت و آزار، بازداشت و نقض حقوق مدافعان حقوق بشر در ایران را مورد انتقاد داده و نسبت به بعضی از پرونده ها از جمله سهراب رزاقی، کوهیار گودرزی و مادرش پروین مخترع، و آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی ابراز نگرانی کرده است.

در این گزارش اظهار شده است که جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشور دیگر جهان، روزنامه نگاران را به زندان انداخته است. احمد شهید می نویسد که امسال ۴۲ خبرنگار در زندانهای ایران بازداشت هستند.

او می نویسد: "بنا به گزارشهای رسیده به گزارشگر ویژه، دست کم ۱۵۰ روزنامه نگار از زمان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ از بیم سرکوب و اذیت و آزار از کشورشان گریخته اند. سازمان گزارشگران بدون مرز در نامه ای به گزارشگر ویژه نوشته است که قریب به ۵۰ نشریه از زمان انتخابات تعطیل شده است."

یک روزنامه نگار به احمد شهید درباره سانسور در جمهوری اسلامی گفته است: "در گذشته مقامات به ما می گفتند چه ننویسیم ولی حالا می گویند چه بنویسیم."

گزارشگر ویژه سازمان ملل از سرکوب و اذیت و آزار نظام مند اقلیتهای دینی، قومی و جنسی در ایران نیز انتقاد کرده است.

آقای شهید در گزارش خود همچنین نسبت به افزایش شمار اعدام هایی که رسماً توسط مقامات ایران تأیید شده، ابراز نگرانی کرده است.

او می گوید که در طول سال ۲۰۰۱ (تا ماه دسامبر)، ۴۲۱ مورد اعدام رسماً اعلام شده و ۲۴۹ مورد اعدام مخفی به اطلاع وی رسانده شده است.

آقای شهید ضمن استقبال از حذف مجازات سنگسار از قوانین ایران، ابراز امیدواری کرده است که تمام موارد موجود محکومیت های سنگسار مورد بازبینی قرار گیرد، تا چنین مجازاتی دیگر در ایران اجرا نشود. با این حال، او ابراز نگرانی کرده که کماکان ممکن است "به تشخیص قاضی، مطابق قوانین اسلام یا فتوا، مجازاتهای شدیدی وضع شود."

در گزارش آقای شهید از قول یک نماینده سابق مجلس ایران (بدون ذکر نام او) به "موارد تقلب در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۸ و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹" اشاره شده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از قول این نماینده سابق مجلس نوشته است: "ناظران در شهرهای تهران، شیراز، تبریز و مشهد گزارش می دادند که حوزه های اخذ رأی هنوز باز بود و برگه های شمرده نشده هنوز در صندوق های سر بسته باقی مانده بود که خبرگزاری فارس در ساعت ۹ شب، نتایج انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۸ را اعلام کرد. همین مسئله، نگرانی های گسترده در مورد تقلب را مطرح کرد و در نتیجه شماری از نمایندگان مجلس به وزارت کشور اعتراض کردند."

احمد شهید در بخش دیگری از گزارش خود از سرکوب فعالیت تشکلهای کارگری در ایران و بازداشت اعضای سندیکاهاى کارگری که خواهان احقاق حقوق صنفى خود هستند، انتقاد کرده است.

آقای شهید در این گزارش از عدم همکاری مقامات ایران گلایه کرده و نوشته است که آنها با درخواست او برای سفر به این کشور موافقت نکرده اند.

به نوشته آقای شهید، مقامات ایران همچنین به درخواستهای فوری نهادهای سازمان ملل در باره موارد نقض حقوق بشر پاسخ نداده اند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل از نظام قانونی ایران و تلاش نهادهای قانون گذاری برای تصویب قوانینی که به گفته او به محدود کردن حقوق شهروندان می انجامد، انتقاد کرده است.

احمد شهید در پایان ضمن درخواست از حکومت ایران برای توقف نقض نظام مند حقوق بشر، خواهان ارائه تعریفی روشن از جرائم علیه امنیت ملی شده است. او همچنین درخواست آزادی فوری تمام زندانیان سیاسى و عقیدتى را مطرح کرده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل از حکومت ایران تقاضا کرده که ضمن پایان دادن به اعدام برای مواردی که "جرم جدی" محسوب نمی شود، "توقف اعدام برای کلیه جرائم را تا زمانی که اجرای موثر حقوق مردم برای برخورداری از دادرسی عادلانه به طور معناداری قابل مشاهده نشده"، بررسی کند.

احمد شهید همچنین خواهان توقف اعدام افرادی شده است که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده اند.

ادامه آزار قضایی بی امان علیه کانون مدافعان حقوق بشر



برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر:

ادامه آزار قضایی بی امان علیه کانون مدافعان حقوق بشر با حکم ۶ سال زندان برای نرگس محمدی

۱

پاریس - ژنو، ۱۶ اسفند ۱۳۹۰. برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر» (FIDH) و «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه» (OMCT) است، ادامه آزار قضایی بی امان علیه اعضای کانون مدافعان حقوق بشر و به ویژه صدور حکم ۶ سال زندان برای خانم نرگس محمدی در مرحله تجدید نظر را به شدت محکوم می کند.

دادگاه تجدید نظر در روز ۲۵ بهمن ۱۳۹۰، خانم نرگس محمدی، سخنگو و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر را به اتهام های «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» به شش سال زندان محکوم کرد. اما این حکم در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۰ به وکیل خانم نرگس محمدی ابلاغ شد. اکنون خانم محمدی هر آن در معرض خطر دستگیری به سر می برد.

در پی انتخابات مورد اختلاف ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ چندین عضو دیگر کانون مدافعان حقوق بشر هدف آزار قضایی و نیز رفتار تبعیض آمیز در طول بازداشت بوده اند. برنامه نظارت یادآوری می کند که شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی آقای عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری و عضو بنیانگذار کانون مدافعان حقوق بشر را به ۱۸ سال زندان در تبعید در شهر دورافتاده برازجان (استان بوشهر در جنوب) محکوم کرده و او در حال حاضر در بند ۲۰۹ زندان اوین در بازداشت مانده است. چندین عضو دیگر کانون مدافعان حقوق بشر از جمله آقایان محمد علی دادخواه، محمد سیف زاده، عبدالرضا تاجیک و خانم نسرين ستوده نیز پس از تعطیل شدن کانون مدافعان حقوق بشر در سال ۱۳۸۷ با فشار کیفری شدید روبرو بوده اند.

بنیانگذاران و اعضای برجسته کانون مدافعان حقوق بشر پیوسته برای استعفا و محکوم کردن کانون مدافعان حقوق بشر و خانم شیرین عبادی،

بنیانگذار و گیرنده جایزه صلح نوبل، زیر فشار بوده اند.

سوهیر بالحسن، رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر گفت: «دولتمردان در عمل وکالت حقوق بشری را به عملی مجرمانه تبدیل می کنند و می کوشند فعالیت حقوق بشری در کشور را سرکوب نمایند. ما از این نگرانیم که آزار و اذیت علیه کانون مدافعان حقوق بشر و کوشش برای خاموش کردن شیرین عبادی به خاطر فعالیت مداوم حقوق بشری او ادامه یابد.»

دبیر کل سازمان جهانی مبارزه با شکنجه، جرال استابِرک، نیز اضافه کرد: «دولتمردان با صدور حکم های سنگین زندان، تبعید و محرومیت از اشتغال به حرفه حداکثر تلاش خود را برای به حاشیه راندن مدافعان حقوق بشر به عمل می آورند. زندانیان عقیدتی و دیگر زندانیان سیاسی پیوسته قربانی شکنجه و بدرفتاری های دیگر و نیز مجازات اعدام هستند. تمام این اقدامات با هدف ترساندن تمامی جامعه و وادار کردن آن به سکوت مرگبار انجام می شود.»

برنامه نظارت معتقد است که حکم خانم نرگس محمدی تنها به قصد ترساندن و بازداشتن او از ادامه فعالیت های حقوق بشری صادر شده است. به علاوه، هدف از این حکم ترساندن تمام مدافعان حقوق بشر در ایران است.

بنابراین، برنامه نظارت از دولتمردان ایران به تاکید می خواهد فوری و بدون قید و شرط به آزار و اذیت قضایی علیه خانم نرگس محمدی پایان دهند و تمام مدافعان حقوق بشر را که در بازداشت خودسرانه به سر می برند آزاد نمایند، و به طور کلی اعلامیه سازمان ملل در باره مدافعان حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهده های بین المللی حقوق بشر را که ایران تصویب کرده رعایت کنند.

تماس برای اطلاعات بیشتر

FIDH: Karine Appy / Arthur Manet : + ۳۳ ۱ ۴۳ ۵۵ ۲۵ ۱۸ •

OMCT: Delphine Reculeau : + ۴۱ ۲۲ ۸۰۹ ۴۹ ۳۹ •

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر): [lddhi\(at\)fidh.net](mailto:lddhi(at)fidh.net)